

عالم آخرت

از دیدگاه قرآن چگونه است؟

نظر اسلام در مورد مرگ

۱. مرگ نبود زندگی نیست

مرگ؛ مخلوق و وجود مستقلی است که بعد از دنیا شروع می شود

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

منظور از خلق الحياه چیست؟ خلق مرگ یعنی چه؟ در فکر ما این است که مرگ نبود زندگی (معنایی عدمی) است در حالیکه قرآن هر دو را امر وجودی (بودن) دانسته است. واقعیت آن است در حقیقت مرگی که عموم به آن قائل هستند را قرآن به آن قائل نیست. مرگ اسباب کشی است. اصلاً مورد مرگ نداریم که مرد و تمام شد!

در هنگام مرگ، روح در عالم خود مشغول است و این پیکر به زیر خاک می رود بمانند این می ماند که پرنده قدرتمندی بود که از پنج سوراخ نگاه می کرد و در قفس بود که او را آزاد کنند و اوج گیرد. قفس تن به طور موقت از انسان جدا می شود و در زیر خاک می ماند اما در قیامت مجدد روح در کالبد تن قرار خواهد گرفت.

لَيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

نکته اخلاقی: در بهترین عمل هم این سرّ و اشاره است. در همه کارها باید مسلمان در کار خیر مسابقه کند و نگوید فلانی ثروتمند است بلکه در کار خیر مسابقه کند. در چنین زورگار هر صاحب فنی وظیفه ای دارد. بهترین عمل یعنی در یک روز خیلی کارها است که ثواب است اما آنچه که ثوابش بیشتر و به جامعه اش خیرش بیشتر است آن را انجام دهد

۲. برای انسان مرگ (نبود) نیست بلکه مرگ مقدمه تکامل است

مرگ به معنای نابودی و عدم در آئین قرآن (وحی - اسلام) اصل و معنایی ندارد بلکه مانند ادامه زندگی انسان با مرگ به مانند دانه گندم است که بر زمین می اندازیم که بعد از مدتی رشد می کند و بعد از چندین ماه سرسبز خواهد شد مرگ انسان هم چنین است مرگ انسان اسباب کشی است.

توضیح مثال: فاسد شدن دانه گندم، زنده شدن و حیات گندم است اگر دانه گندم لِثَلَنَّمَآخ نمی شد سنبل نمی داد. انسان هم بمانند آن هست. در نتیجه انسان مرگ معنا ندارد.

۳. مرگ تجلی رحمت خداوند است

با توجه به مطلب قبلی که فاسد شدن هر چیزی مقدمه بر حیات پیدا کردن آن است

خداوند سبحان میراندن و مردن را رحمتی از جانب خود می داند

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (انعام - ۱۲)

این آیه می فرماید از مرحمت خودم به تو این است که تو را می میرانم و مرگ هم مقدمه

حیات ابدی است. انسان بی اطلاع هم از لفظ مردن بدش می آید!

۴. عالم آخرت براساس حق و واقعیت است و نه توهمات و خیالات و ذهنیات ما

۱. أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ (أ) أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

بت پرست می گوید من که به معاد اعتقاد ندارم اما اگر معادی هم باشد بهترین جای بهشت برای من است و با خاطر جمعی در آخرت هم من صاحب مال و فرزند خواهم بود و حتما خداوند به من مال و اولاد خواهد داد قرآن به این توهم و خیال جواب می دهد آیا اینها رفت و آمدی به عالم آخرت داشته اند و به این خاطر بر رویدادهای آخرت (غیب) اطلاع دارند و یا اینکه با اینها قول و قرار می گذاشته و پیمان و سندی مبادله شده است

۲. وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

(در زبان عرب به زمان طولانی «دهر» گویند. دهری معتقد است که طبیعت ما را اداره می کند حال «یا اینکه خالق خداوند است و اداره را محول به طبیعت کرده است» و «یا اینکه هو خالق و هم مدبر طبیعت است»

۶. باز دارنده ترین اعتقاد؛ اعتقاد به معاد است

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

قرآن در معرفی اوصاف اهل ایمان می فرماید: این است غیر از این نیست حتما و حتما به آخرت یقین دارند.

یک جهت ینکه چرا «هم بالله یومنون» فرمود اینکه کسی که معتقد به معاد نباشد صاحب هر عملی باشد هم باشد اهل نجات نیست چون چنین فردی در عمل خود قائل به اخلاص نیست. اعتقاد به معاد بیش از اعتقاد به توحید و نبوت روی زمین را اصلاح می کند)

۷. در عالم آخرت تصدیق و تکذیب با عمل است و نه با سخن

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

- عملت می گوید که اعتقادی به معاد نداری یا نه!
- در عالم آخرت امکان ظاهرسازی وجود ندارد.

۸. اعتقاد به آخرت یعنی امید به آینده ای درخشان

وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ (خشنودی الله است) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

واقعیت آن است که آنکه معتقد به معاد نیست حق آن است که خودکشی کند و خود را رها کند. خودکشی ها هم از این ناشی شده است.

ببینید این اعتقادات و دعا به چاه اندازه در زندگی بشر موجب آرامش می شود)

۹. در عالم آخرت دارای جسم خواهیم بود (معاد جسمانی)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ (خبر مهمی به شما آورده است آن چیست) إِذَا مَزَّقْتُمْ (خرد شدید. تمزیق چیزی را جویدن و خراش دادن و خرد کردن را گویند) كُلَّ مُمَرَّقٍ (خرد شدید به مانند گندم. خرد شدنی تمام عیار خرد شدن) إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (محققا شما از نوع خلق خواهید شد. معاد جسمانی خواهد شد)

۱۰. عالم آخرت (بهشت و جهنم) تجسم عینی افکار و اعمال است

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا (از ذریه هر دو) مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا

وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٦﴾ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى (کوردلی) عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ (مانند زید عدل. بطور هون و بدبخت کننده) بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

تَرَى الظَّالِمِينَ (ان الشریک لظلم عظیم. در مورد بت پرستان سخن می گوید) مُشْفِقِينَ (ناراحت و وحشت زده هستند. در) مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ (ما کسبوا: عملی که کسب کرده اند) وَقَعَ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (جمع محلی به الف و لام) فِي رَوْضَاتٍ (روضه در لغت فارسی مرغزار. یاد آرید ای مہان زین مرغزار یک سبوی در میان مرغزار. (چمنی سرسبز و تمیل از هر جهت) الْجَنَّاتِ // وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (اگر به دنبال علم و مال بیافتد و از دین غافل شود به عذاب بزرگی گرفتار خواهد شد) // قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ (ظالم و بدعت گذار را سر جایش نشاندن را ایام الله گویند ید غیبی کمک کرده و به روح الهی دم تازه ای دمیده شود) لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (عجله نکرده و در حالت انتظار باشند) // اصْلَوْهَا (داخل شوید و کباب شوید. "صلا" به معنای کباب شدن که قهراً وارد شدن هم در آن منظور است) فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا (در مصایب دنیا اگر صبر کند چه مومن چه کافر می گویند عجب اهل خویشتن داری است و چه بسا بعد از مدتی هم فرج حاصل شود می فرماید در آخرت چه صبر کنی چه نکنی فایده ای ندارد و از آن نمی توانی بعد از یکسال نجات یافت) سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ (جزاء معادل عمل شما جزا داده ایم این دیگر جای گلایه ندارد. اُزِ يَخْلَانِ أَغْلَامَاز) مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (این آتش جهنم را از دنیا کسب کرده اید. قسمی از معصیت ها می کند که آنها در آخرت تغییر قیافه می دهد و تبدیل به عذاب می شود. تا اینجا گرده سوره به سمت کفار است) // إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا (وقتی که آیات الهی به اینها خوانده شد) قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (خرافات گذشتگان است) از اینها در می آید که آنکه مطففین است نمی تواند به قیامت عقیده داشته باشد که یقین داشته باشد به این خاطر که اگر اعتقاد داشته باشد چرا در ترازو کم فروشی می کند) (۱۳) کَلَّا (چنین نیست) بَلْ (بلکه مطلب این است که) رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ (بر قلب هایشان پرده افتاده است) مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (آن عمل هایی بدی که کرده اند به همان اندازه قلبشان را زنگ گرفته است. که کرده اند. کسب به معنای پول کسب کردن نیست. حقیقت به آن منعکس نمی شود عکس هر چیزی در آنجا وارونه می افتد) // مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (مال و فامیل. در ما کسبت امام فرمود انت و مالک لابیگ. یکی از ما کسبت هم اولاد است) (۲) (چرا بی نیاز نکرد) وارد خواهد شد به سَيَصْلَىٰ (ابولهب) نَارًا ذَاتَ

۱۱. در عالم آخرت برای مومنان امتیازاتی است

(چون در مورد ایمان سخن خواهد گفت بالاخره آنکه متقین است در ایمان هم درجه یک هستند) **وَالَّذِينَ آمَنُوا** (منظور همان متقین است که از آنان تعبیر به امنوا آورده است) **وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ** (در ایمان بود اما در حد متقی بودن نبود) **الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ** (بههم به والذین امنوا بر می گردد. ملحق می کنیم به مومنان درجه یک ذریه شان را در بهشت. که بیاید کانون خانواده تشکیل بدهید. (اتباع یعنی راه پدران را بگیری و ادامه بدهی ما الحاق یعنی پشت سر او توهم بروی به عالم آخرت چه آن سلیقه را بگیری چه آن سلیقه را نداشته باشی) **وَمَا أَلْتَنَاهُمْ** (ألت . از عمل بابابزرگ ها چیزی نقص نمی کنیم) **مِنْ عَمَلِهِمْ** (از عمل مومنان درجه یک، بزرگ خانواده چیزی کم و ناقص نمی کنیم. تفضل است در مورد کانون خانواده) **مِنْ شَيْءٍ كُلِّ امْرِيٍّ** (هر مکلف) **مَا كَسَبَ** (معصیت) **رَهِيْنٌ** (سوال مطرح می شود در صورت ناملایم بودن بزرگ خانواده به خانواده سرایت می کند می فرماید در طرف گناه چنین نیست. اما سبحان الله کار خوب چه با برکت است که یک نفر در کانون خانواده صاحب عمل خوب باشد پر ثواب او به دیگران افراد خانواده می رسد)

مرگ چیز ترسناکی نیست. مرگ وحشتناک نیست ننگ و عار دهشتناک است. مرگ برای فردی تلخ است که سرگردان زندگی کرده است آنکه زندگی کرده برای خوردن خوابیدن، الحق برای او مرگ بسیار بسیار تلخ است مانند جدا شدن عاشق و معشوق اما برای کسی که در قفسی با ۵ پنجره (قوا و حواس) است برای او رهایی است. همه هم این مطلب را می دانند اما چطور اگر سنگی را بزنی به دیواری سخت بر می گردد و به خود انسان باز می گردد برخی از انسان ها هم هستند که سخن که به آنها اصابت می کند اصلاً آن نمی گذارد و سخن را به جای دیگر بر می گرداند به این خاطر رسول الله(ص) که رسول الله(ص) است نتوانست چنین افرادی را اصلاح کند. (خطاب به صاحبان قوم و قبیله در مکه میلیونرها می گوید) **وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ** (منظور از این زنده شدن ان زنده شدنی است که در سوره بقره بیان کردیم

۱۲. بهشت به حضور اهل ایمان می رسد

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (انبیاء - ۶۱)

بهشت های جاویدی که [خدای] رحمان به بندگانِش وعده داده در حالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است.

"آتی" یعنی "می آید". "مأتی" یعنی "آورده شده".

بهشت تو را گشته و پیدا خواهد کرد.

تو به سراغ بهشت نخواهی رفت آن به سراغ تو خواهد آمد